

درجه از نگاهی دیگر

یادآوری: نوشته حاضر - با اندکی تصرّف و تلخیص - حاصل تلاش برادر مربّی ابراهیم بوذر جمهری، فارغ التحصیل از دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی می باشد، که از اصفهان ارسال کرده است. ضمن تشکر از زحمات این برادر بزرگوار، توجه شما را به آن جلب می کنیم.

سپاه، این نهاد جوشیده از متن انقلاب، در طول عمر کوتاه خود، مقاطع گوناگونی را پشت سر نهاده، در مسیر حرکت خویش همواره در جهت استحکام و انسجام نظام به پیش رفته است. از جمله این مقاطع، موضوع درجه بندی و نظام اعطای درجات می باشد. همان طور که می دانید، نظام درجات در سپاه از خواست های مقام معظم رهبری بوده و می باشد.

در این مقاله، جایگاه درجات انسانی را در نظام های اخروی و دنیوی، از دید آیات و روایات مورد بررسی قرار می دهیم.

هر چند تفاوت میان درجات دنیا و آخرت از زمین تا آسمان است، ولی مناسب است تا با توجه به وجود تشابه این دو مقایسه ای میان درجات دنیوی و اخروی به عمل آید. البته پیوسته این آیه پربرکت را به یاد خویشتن می آوریم که

«إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»^(۱)

این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است.

به طور مسلم، برادران در ابتدای ورود به سپاه، هدفی جز خدمت و پاسداری از انقلاب و اسلام نداشته و ندارند و تنها چیزی که در نظر نداشته اند کسب مقامات دنیوی و درجات ظاهری است. پس چه زبیده است حال که بنا به مصالحی موضوع درجه مطرح شده، آن نیت های پاک را از یاد نبرده و خود را به اندک نفروسیم. حضرت امیر(ع) فرموده اند:

«وَإِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا» (۲)

بدانید جان شما را بهایی کمتر از بهشت نباشد پس آن را به کمتر از بهشت نفروشید.

آن چه از نظام درجات در سپاه می آموزیم

اجرای نظام درجات در سپاه درس هایی را به ما می آموزد، از جمله این که:

۱ - حساب و کتاب در کار است و اجر و پاداش هیچ کس، نه در دنیا و نه در آخرت،

ضایع نمی شود.

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (۳)

خداوند پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند.

۲ - همان طور که اعمال آدمی در آخرت کیفر و پاداش دارد، در دنیا نیز گاهی نتیجه

خیر و شر اعمال وی دیده می شود.

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ» (۴)

برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است.

۳ - از آن جا که جهان، عرصه روابط تنگاتنگ ملت ها و دولت ها شده است و

بهره وری از تجربه ها و عمل کرد مفید دیگران امری مطلوب و پذیرفته است، پیروی از

اصل تشکیلات و آیین نظامی نیز لازم جلوه می نماید.

۴ - همان طور که امروزه عده ای تأسف می خورند کاشکی بهتر عمل می کردیم، و بنا

به فرموده قرآن:

«يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً» (۵)

ای کاش ما هم با آن ها بودیم و به رستگاری بزرگی می رسیدیم .

در روز قیامت نیز عده ای حسرت می خورند چرا خوب عمل نکردند، به همین سبب

است که قیامت را «یوم الحسره» نامیده اند.

ملاک های ترفیع و تنزیل درجات در دنیا و آخرت

۱- درجات دو جهان بر اساس عملکردهاست. قرآن در این باره می فرماید:

«وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ بِمَا عَمِلُوا»^(۶)

برای هر یک درجاتی است از آنچه عمل کردند.

و حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «انسان به وسیله سختی‌ها و شداید، به درجات بالا و راحتی دائم می‌رسد.»^(۷)

۲- در آخرت، عملی مورد قبول واقع می‌شود که توأم با آگاهی و ایمان باشد. در این جا نیز ملاک‌های عقیدتی و تأیید صلاحیت وجود دارد.

«هرکس در روز قیامت با ایمان و عمل صالح وارد شود برایش عالی‌ترین درجات است»^(۸)

۳- در محاسبه درجات، در این جا با بعضی اعمال، ارشدیت‌هایی داده می‌شود، در آن جا نیز چنین است.

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»^(۹)

هر کس کار نیکی به جا آورد ده برابر آن پاداش دارد.

۴- در دنیا معمولاً اعمال آشکار به درجات ما می‌افزاید، ولی در آخرت ارزش اعمال مخفی و داشتن نیت، مهم است.

۵- در این جا ملاک ارشدیت‌ها اعمالی است که در اوایل تأسیس سپاه، تا سال ۱۳۶۹ انجام گرفته. ولی در آخرت، عاقبت امور مهم است؛ چنان که پیغمبر خدا فرمودند: «بهترین کارها آن است که بهترین سرانجام را داشته باشد.»

در این جهان، تنها اعمال ما باعث ارتقای درجه می‌شود، ولی در آخرت علاوه بر اعمال، بر روی اقوال نیز تکیه می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^(۱۰)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است.

از جمله اقوالی که سبب ارتقای درجه مؤمنان در آخرت می‌شود، قرائت قرآن است، چنان که در روایت آمده است:

«عَلَيْكَ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ وَجَعَلَ دَرَجَاتَهَا عَلَى قَدْرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَمَنْ

قَرَأَ الْقُرْآنَ قَالَ لَهُ إِفْرَأْ وَارْقُ»^(۱۱)

بر تو باد که ملازم قرآن باشی؛ زیرا خدا بهشت را آفرید و درجات آن را به قدر آیات

قرآن کریم قرار داد، پس هرکس قرآن قرائت کند به او گویند: بخوان و بالا رو.

۷ - برای محاسبه درجات در این دنیا، بعضی از سنوآت ضریب می خورد، در

محاسبه درجات مؤمنان در عالم بقا نیز ایام الله، ضرایب خاص دارند، از جمله

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (۱۲)

شب قدر بهتر از هزار ماه است .

۸ - برای احتساب درجات در این جا بعضی عملکردها و مسؤلیت‌ها ضرایب

ویژه‌ای دارند؛ در آن جا نیز چنین است، با این تفاوت که ضرایب این جا را از قبل

نمی دانستیم، ولی به ضرایب اخروی - از طریق آیات و روایات - آگاهییم. به بعضی از این

ضرایب در زیر اشاره می شود:

ضریب یک برابر:

«... لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً» (۱۳)

برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند، پاداش نیکی است .

ضریب دو برابر:

«مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ أَلْضَفِّ بِمَا عَمِلُوا» (۱۴)

کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند برای آنان پاداش مضاعف در

برابر کارهایی است که انجام داده اند.

ضریب ده برابر: قال رسول الله (ص)

«مَنْ تَوَضَّأَ عَلَيَّ طَهَّرَ كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ» (۱۵)

کسی که با وجود طهارت داشتن وضو بگیرد، برای او ده حسنه نوشته خواهد شد.

ضریب هفتاد برابر: امام صادق (ع) فرمود: «دو رکعت نماز فرد متأهل نزد خدا از

هفتاد رکعت نماز فرد بدون همسر، برتر است» (۱۶).

ضریب هفتصد برابر:

« مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ

سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ » (۱۷)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد) دو یا چند برابر می‌کند.

ضریب هزار برابر: پیامبر خدا(ص) فرمود:

«حَزْسُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلُهَا وَ يُضَامُ نَهَارُهَا» (۱۸)

یک شب در راه خداوند عزوجل نگاهبانی کردن برتر است از هزار شبی که شبهایش (به عبادت) قیام شود و روزهایش به روزه بگذرد.

ضریب صد هزار برابر: رسول خدا(ص) فرمود: «به درستی که نماز در مکه، معادل صد هزار نماز و در مدینه، مساوی هفتاد و پنج هزار نماز و در بیت المقدس، برابر پنجاه هزار نماز و در کوفه معادل بیست و پنج هزار نماز در مکان‌های دیگر است.» (۱۹)

۹ - بعضی از ملاک‌های ترفیع درجات در این جا و آخرت عبارتند از:

الف - کسانی که در سال‌های اول تأسیس سپاه وارد آن شدند امتیازهای بیش‌تری به خود اختصاص دادند. در آخرت نیز برای افرادی که سابقه بیش‌تری در حمایت دین خدا دارند، امتیازهای خاصی وجود دارد. قرآن در این باره می‌فرماید:

«...لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا...» (۲۰)

کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آن‌ها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.

ب - علم و مدرک نیز یکی دیگر از معیارهای ارشدیت می‌باشد. در میزان نیز چنین است. قرآن در این باره می‌فرماید:

«...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» (۲۱)

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟!

ج - یکی دیگر از ملاک‌های ترفیع درجات در دنیا، جهاد است؛ در آخرت نیز چنین

است. خداوند در قرآن فرموده است:

«... فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً...» (۲۲)

خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده.

همان‌گونه که در این جا بالاترین ارشدیت‌ها را برای حضور در جبهه قرار داده‌اند، در آخرت نیز هیچ عملی با جهاد در راه خدا برابری نمی‌کند. حتی آباد کردن خانه خدا؛ «آیا رتبه سقایت و آب دادن به حاجیان و تعمیر خانه خدا را با مقام آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده یکسان می‌شمیرید؟ هرگز آن نزد خدا با این یکسان نخواهد بود» (۲۳)

غیر از آنچه بر شمرده شد، در آخرت برای قبول اعمال و ترفیع درجات، شرایط خاص دیگری نیز وجود دارد که عبارتند از:

۱ - اخلاص؛ اعمالی را که انسان انجام می‌دهد باید فقط برای خدا باشد تا مورد قبول واقع شود.

۲ - تقوا؛ زیرا تنها اعمال متقیان، مورد پذیرش خداوند قرار می‌گیرد.

۳ - ولایت و امامت؛ چون اگر کسی دوستی ائمه هدی را در دل نداشته باشد، اعمالش قبول درگاه حق واقع نخواهد شد. در حدیث آمده:

«فَن لَّمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَزِقْهُ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا» (۲۴)

کسی که به ما دوستی ندارد خداوند عملش را بر نمی‌گزیند.

۴ - ادای حقوق واجب (مانند زکات)؛

«مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ» (۲۵)

کسی که نماز بخواند در حالی که مالش را پاک نکرده باشد نمازش مورد قبول واقع نخواهد شد.

۵ - دعا؛

«يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلَانِ كَانَ يِعْمَلَانِ عَمَلًا وَاجِدًا فَيَرَى أَحَدًا ضَاحِبَةً فُزَقَهُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ يَا أَعْظَمَيْتَهُ وَ كَانَ عَمَلُنَا وَاجِدًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَنِي وَ لَمْ تَسْأَلْنِي» (۲۶)

دو کس که هر دو یکسان عمل می‌کردند داخل بهشت می‌شوند یکی دوستش را بالاتر از خود می‌بیند عرضه می‌دارد پروردگارا از چه رو او را مقامی بالاتر بخشیدی و حال آن که عمل ما یکسان بود؟ خداوند متعال می‌فرماید: او از من درخواست کرد ولی تو درخواست نکردی!

۶- اخلاق نیک؛

«لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ» (۲۷)

در ترازوی سنجش چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.

۷- زیارت مؤمنان.

شبهات این درجات با درجات اخروی

۱- همان‌گونه که در دنیا بعد از گرفتن درجات بعضی خوشحال و خندان‌اند، در آخرت نیز چنین است. خدای سبحان در این باره می‌فرماید:

«وَجُودَ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ... وَجُودَ يَوْمَئِذٍ بِاسِرَةٍ» (۲۸)

در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است. [و] صورت‌هایی عبوس و درهم‌کشیده!

۲- در این جا بعد از گرفتن درجات، امکان ترقی و تنزل هست. در آخرت نیز چنین است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«... نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ...» (۲۹)

درجات هر کسی را بخواهیم (و شایسته بدانیم) بالا می‌بریم.

۳- در این جا پس از مدتی همه از درجه‌های یک دیگر با خبر می‌شوند. در آخرت نیز درجه و جایگاه کسی بر دیگران پوشیده نمی‌ماند:

«يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (۳۰)

در آن روز که اسرار نهان (انسان) آشکار می‌شود.

۴- در این عالم افراد، قبل از ابلاغ درجه‌شان نسبت به آن آگاهی دارند، در سرای دیگر نیز چنین است:

«عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَخْفَتَتْ» (۳۱)

(آری در آن هنگام) هر کس می‌داند چه چیزی را آماده کرده است.

۵- در این جا کسی که کار مهمی انجام نداده و یا تازه وارد این نهاد شده؛ نباید انتظار درجه بالایی داشته باشد. در آخرت نیز چنین است.

«أَيُّطْمَعُ كُلُّ أُمْرِيٍّ مِنْهُمْ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ» (۳۲)

آیا هر یک از آن‌ها (با این اعمال زشتش) طمع دارد که او را در بهشت پر نعمت الهی وارد کنند؟!۴

۶- در این جا مقام اعطاکننده درجات نسبت به نوع درجه فرق می‌کند؛ در آخرت نیز این گونه است؛ عده‌ای به طور مستقیم مورد خطاب باری تعالی واقع می‌شوند که:

«أَدْخُلِي جَنَّتِي» (۳۳)

در بهشت من وارد شو!

و عده‌ای را ملائکه بشارت بهشت می‌دهند که:

«يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ» (۳۴)

(فرشتگان مرگ) به آن‌ها می‌گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید.

خداوند در دنیا به عده‌ای با واسطه و بر گروه دیگر بدون واسطه درود می‌فرستد. در مورد دسته دوم می‌فرماید:

«أُولَئِكَ عَلَيْكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ...» (۳۵)

این‌ها همان‌هایی هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده.

بر آن‌هاست درودها و رحمتی از جانب پروردگارشان. و در مورد دسته اول می‌فرماید: «... صَلِّ عَلَيْهِمْ...» (۳۶) ای محمد! بر آن‌ها درود فرست. و موارد دیگری از این قبیل که در آیات و روایات به آن‌ها اشاره شده است.

تفاوت‌های این درجات با درجات اخروی

۱- درجات این دنیا قرار دادی و ناپایدار است، ولی در آن جا چنین نیست. قرآن می‌فرماید:

«مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (۳۷)

آنچه نزد شما است فانی می‌شود اما آنچه نزد خداست باقی است.

رهبر معظم انقلاب دربارهٔ درجات فرمودند: درجات علامت است، قرار داد است، معنای درجه به طور دقیق ارزش گذاری بر فداکاری‌های بی حد و اندازهٔ یک فداکار ایثارگر نیست و نمی‌تواند باشد.

۲ - برادران سپاه از قبل نمی‌دانستند که زحمات و تلاش‌های آنان به درجه شان می‌افزاید، ولی درجات اخروی از ابتدا مشخص است؛ زیرا خداوند با وعده‌هایش ما را از آن آگاه ساخته است.

«أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا...» (۳۸)

و این که رستاخیز آمدنی است و شکی در آن نیست.

«الْإِنِّ وَغَدَا اللَّهُ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (۳۹)

آگاه باشید وعدهٔ خدا حق است ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند.

۳ - در این جا برای اثبات زحمات و تلاش‌ها نیاز به مدرک است، ولی در آخرت قضیه به عکس است؛ مسائلی را که فراموش کرده‌ای به یادت می‌آورند، خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ جُمًا عَمِلُوا وَ مَا رُبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» (۴۰)

برای هر یک درجاتی است از آنچه عمل کردند و پروردگارت از اعمالی که انجام می‌دهند، غافل نیست.

و در آیهٔ دیگر فرمود:

«وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَاهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (۴۱)

اگر به مقدار سنگینی یک دانهٔ خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم.

۴ - در این جا برای محاسبهٔ درجه، نیاز به وقت و زمان است، ولی در آنجا چنین نیست: «... وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (۴۲)

۵ - به کم کردن درجات دنیا می‌توان اعتراض کرد، ولی در آخرت همه چیز آشکار است، جایی برای اعتراض باقی نمی‌ماند. قرآن می‌فرماید:

«لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (۴۳)

امروز عذرخواهی نکنید چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می‌شوید!

۶- در این جا دوران استفاده از درجات، محدود بوده، سرانجام، دوران بازنشستگی یا مرگ، بین انسان و درجه اش فاصله ایجاد می کند؛ ولی استفاده از درجات الهی نامحدود است؛

«أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا» (۴۴)

آن ها اهل بهشتند و جاودانه در آن می مانند.

۷- در محاسبه درجات این جا، مسائل محرمانه ای وجود دارد، ولی در آن عالم، تمام پرونده فرد به دستش داده می شود؛

«إِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (۴۵)

کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!

۸- درجات دنیا با مسؤولیت همراه است، ولی در آخرت تکلیف نیست و تنها بهره وری و زندگی راحت را به دنبال دارد. حضرت علی (ع) به یکی از کارگزاران خود چنین نوشت:

«وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (۴۶)

به درستی که مسؤولیت تو برایت طعمه ای نیست، ولكن امانتی در گردن تو است.

۹- ارتقای درجات دنیوی تا حد معینی است، ولی ارتقای درجات اخروی حد

معینی ندارد. قرآن می فرماید:

«وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا» (۴۷)

درجات آخرت و برتریهایش از این هم بیشتر است.

۱۰- به علت محدود بودن دنیا، درجات آن نیز انسان را اشباع نمی کند و پس از مدتی

برای فرد عادی می شود. ولی در سرای دیگر، انسان، اشباع می شود و جایگاه افراد چیز جدیدی است و هرگز از آن سیر نمی شوند:

«خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» (۴۸)

آن ها جاودانه در آن خواهند ماند، و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی کنند!

۱۱- در این جا در محاسبه درجات امکان اشتباه وجود دارد، ولی در آن جا هرگز

چنین نیست؛

«وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ بِمَا عَمِلُوا وَ لِيُوقَّيْتَهُمْ أَغْمَاهُمْ وَ هُمْ لَا تَظْلَمُونَ» (۴۹)

برای هر کدام از آن‌ها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند، تا خداوند کارهایشان را بی‌کم و کاست به آنان تحویل دهد، و به آن‌ها هیچ ستمی نخواهد شد! ۱۲ - درجات دنیایی را آفاتی تهدید می‌کند که افراد کم ظرفیت از آن مصون نیستند، ولی درجات اخروی چنین نیست. بعضی از آفات عبارت اند از:

الف - حسادت؛ ممکن است افراد با درجه پایین، به دارندگان درجات بالا حسادت بورزند. خداوند سبحان خطاب به چنین افرادی می‌فرماید:

« أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ » (۵۰)

یا این که نسبت به مردم بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده حسد می‌ورزند؟ ب - فخر فروشی؛ درجا این عالم، ممکن است منشأ فخر فروشی و کوچک شمردن دیگران شود، اما در آخرت چنین نیست. حضرت علی (ع) دربارهٔ بهشتیان می‌فرماید:

«لَا يَتَفَاخَرُونَ»

و در قرآن آمده است:

«لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهِنَّ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا» (۵۱)

در آن (باغ‌های بهشتی) نه لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند نه سخنان گناه آلود، تنها چیزی که می‌شنوند «سلام» است «سلام»!

برای مصون ماندن از این خطر مهلک با توسل به دعای مکارم‌الاخلاق امام سجاده (ع) به خدا پناه می‌بریم. آن حضرت در بخشی از این دعا می‌فرماید: «بارالها! به هر اندازه که درجه‌ام را نزد مردم بالا می‌بری به همان اندازه مرا نزد خودم پست و ذلیل گردان و هر عزت ظاهری که به من عطا می‌کنی، به همان اندازه ذلت و حقارت به باطن ذاتم، کرم فرما».

خود را ارزیابی کنیم

حال که دل را به آیات الهی و روایات معصومین - علیهم السلام - نورانی نمودیم، به جاست که به قضاوت نشست و بنا به فرمودهٔ خداوند در قرآن

«بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ...» (۵۲)

بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است.

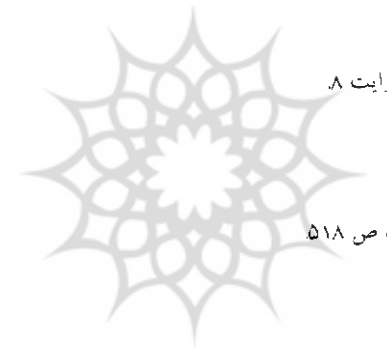
خود را ارزیابی کرده، به سؤالات زیر پاسخ دهیم :

- ۱- درجه‌ای را که به آن مفتخر شده‌ای یا می‌شوی، به چه قیمت به دست آورده‌ای؟
- ۲- چه مقدار به آن عشق می‌ورزی؟ زیر انسان در قیامت با محبوب خود، محشور می‌شود.
- ۳- اگر بخواهند درجه را از شما بگیرند، چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهید؟
- ۴- آیا از وقتی که درجه‌ات را گرفته‌ای، احساس تغییر حالتی در خود کرده‌ای یا نه؟
- ۵- آیا فکر می‌کنید استحقاق درجه‌ای را که گرفته‌اید دارید یا خیر؟
- ۶- در روبه رو شدن با افرادی که درجه پایین‌تری دارند، چه احساسی به شما دست می‌دهد؟

- ۷- آیا در صورت مفتخر شدن به درجه بالا، سنگین‌تر شدن بار مسؤولیت را در خود احساس می‌کنید یا خیر؟
 - ۸- برای اخذ درجه فعلی خود چه اندازه تلاش کرده‌اید و چه درصدی از تلاش شما خالصانه بوده است؟
- پاسخ‌ها هر چه باشد، چون در خلوت و بدون حضور دیگران است، سازنده و حرکت آفرین خواهد بود.

پی نوشت ها:

- ۱- مؤمن، آیه ۳۹.
- ۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.
- ۳- آل عمران (۳)، آیه ۱۷۱.
- ۴- نحل (۱۶)، آیه ۳۰.
- ۵- نساء (۴)، آیه ۷۳.
- ۶- انعام (۶)، آیه ۱۳۲.
- ۷- غرر الحکم، ترجمه محمد علی انصاری، ص ۳۳۷، سخن ۱۶۸، چاپ انتشارات مهرآیین.
- ۸- طه (۲۰)، آیه ۷۵.
- ۹- انعام (۶)، آیه ۱۶۰.
- ۱۰- قی (۵۰)، آیه ۱۸.
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹۸، روایت ۸.
- ۱۲- قدر (۹۷)، آیه ۳.
- ۱۳- زمر (۳۹)، آیه ۱۰.
- ۱۴- سباء (۳۴)، آیه ۳۷.
- ۱۵- میزان الحکمه، باب وضو، ج ۱۰، ص ۵۱۸.
- ۱۶- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۴۱۹.
- ۱۷- بقره (۲)، آیه ۲۶۱.
- ۱۸- کنز العمال، خ ۱۰۷۳۰.
- ۱۹- بحار، ج ۹۷ و ۴۷.
- ۲۰- حدید (۵۷)، آیه ۱۰.
- ۲۱- زمر (۳۹)، آیه ۹.
- ۲۲- نساء (۴)، آیه ۹۵.
- ۲۳- توبه (۹)، آیه ۱۹.
- ۲۴- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۷ و ص ۱۸۲.
- ۲۵- همان، ج ۸۵، ص ۲۸۸.
- ۲۶- همان، ج ۸، ص ۲۲۱.
- ۲۷- همان، ج ۷۱، ص ۳۸۲.
- ۲۸- قیامت (۷۵)، آیات ۴۲ و ۲۴.
- ۲۹- انعام (۴)، آیه ۸۳.
- ۳۰- طارق (۸۶)، آیه ۹.
- ۳۱- تکویر (۸۱)، آیه ۱۳.
- ۳۲- معارج (۷۰)، آیه ۳۸.
- ۳۳- فجر (۸۹)، آیه ۳۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی